

فال و پیشگویی دردکان های بی کرکره

این غیر قابل انکار است که افرادی با احاطه روح و شرایط معنوی بتوانند پیش بینی کنند اما این، کار هرکسی نیست. در واقع موضوع سوء استفاده است چون افرادی که صاحب چنین قدرتی هستند دستگاه و دکان ندارند

زرین رستمی وند

افزایش قابل توجه کلاسهای مختلف که در آنها به نوعی و به طور بسیار سطحی به موضوع ماوراء الطبیعه پرداخته می شود، فال بین ها، رمال ها و احضار کنندگان روح و ... و شمار متقاضیان نه چندان قابل چشم پوشی آنان، خلأیی را در پاسخ به پرسش ها و پرداختن به ناکامی ها در جامعه به رخ می کشد؛ چیزی که باعث بروز پدیده در حال رشدی شده که می توان از آن با این عبارت یاد کرد:

«معتادان فال و پیشگویی در دکانهای بی کرکره». هنوز کسی در مورد این خلأ هشدار نداده است.

در این دکانهای بی کرکره، اغلب، از معتادان فال و پیشگویی که در جست وجوی پاسخ پرسش های بی پاسخ و ناکامی های شان، در غیاب راهنما و در امتداد بدیاری ها و بدشانسی های غالباً ناشی از بی تدبیری به بی راهه رفته اند، سوء استفاده می شود. در این دکانها ماوراء الطبیعه و بعد فراماده تا سطح زندگی مادی نزول پیدا می کند. در این دکانها آرامش خاطر کاذب می فروشند به قیمت ۳ هزار تومان تا چند صد هزار تومان.

معنویت در سطح مادی!

«این غیر قابل انکار است که افرادی با احاطه روح و شرایط معنوی بخواهند پیش بینی کنند». اما این، کار هرکسی نیست. در واقع موضوع، «سوء استفاده» است. چون «افرادی که صاحب چنین قدرتی هستند، دستگاه و دکان ندارند».

دکتر سیدحسن حسینی، جامعه شناس و استاد دانشگاه با اشاره به این موضوع می گوید: «وقتی جامعه ای رویکردی افراطی نسبت به حل مشکلات خودش از طریق فال قهوه و احضار روح و جادو و جنبل ارائه می کند، نشان می دهد جامعه در بطن مادی خود مشکل دارد و به جای بهره گیری از منابع طبیعی و امکانات عقلی در تنظیم بهتر روابط در حل مشکلات، متوسل به این عوامل می شود. این امر نوعی رضایت خاطر موقت و حتی طولانی مدت برای افراد دارای مشکل به وجود می آورد». به عقیده دکتر حسینی، در واقع از آنجا که با عقل و امکانات مادی، حل برخی مشکلات میسر نمی شود، به این عوامل متوسل می شویم.

دکتر حسینی «اقتصاد» را از جمله عوامل تأثیرگذار بر گرایش افراد به خرافه می داند: «بخشی از مشکلات اقتصادی هستند. به دلیل توزیع نامناسب امکانات خدادادی، افراد به راههایی متوسل می شوند که از آن طریق، مشکلات مادی خود را حل کنند. در این صورت، معنویت که باید انسانها را به جهانی غیرمادی و خوشایند سوق دهد، به سطوح مادی نزول پیدا می کند».

او دلیل گسترش فعالیت کف بین ها و فالگیرها و ... را گسترش مشکلات جامعه می داند. اما این گسترش مشکلات، فقط به مشکلات مادی و فقط به جامعه ما مربوط نمی شود؛ «حتی در کشورهای پیشرفته نیز شاهد فعالیت گسترش یافته این قبیل مراکز هستیم. تعجب ما به این علت است که در شرایط فعلی از طریق کشفیات علمی و برنامه ریزی صحیح می توان بسیاری از مشکلات را حل کرد».

شبيه مشاوره از نوع سهل الوصول

به نظر می رسد این نوع مراکز، جای خالی دفاتر مشاوره در جامعه را به نوعی پر کرده اند. دکتر حسینی می گوید: «جای مشاوره را گرفته اند اما مشاوره نیستند، قوت قلب می دهند. در این جا به شما اطلاعاتی داده می شود که فکر می کنید بکارگیری آنها به شما کمک می کند در حالی که در مشاوره، ظرفیت ها و قوای شما را کشف می کنند و با توجه به آنها، به شما می گویند چگونه با مشکل برخورد کنید تا به موفقیت برسید.

دکتر حسینی به این نکته هم اشاره می کند که جادوگری یکی از ابتدایی ترین روشهای انسان در برخورد با مظاهر طبیعی و اجتماعی بوده است. و نیز می گوید: «مراجعه افراد به این مراکز، از ناتوانی آنان ناشی می شود. در شرایطی که جامعه بشری به لحاظ علمی پیشرفت کرده و در جوامعی که دین تک خدایی دارند، یک چنین گرایشهایی که به دوره های پیشین تمدن برمی گردد، قابل توجه است».

نمی توانیم بگوییم نروید

او می گوید: «نمی توانیم به مردم بگوییم که سراغ این کارها نروند. فقط می توانیم بگوییم حتی الامکان سعی کنند وقتی با مشکلات مواجه می شوند، از طریق امکانات خود و با استفاده از فکر و منطق در پی حل اش باشند. اگر هم علاقه مند به مراجعه به چنین مراکزی هستند به این نکته توجه کنند که نسبت به صلاحیت این افراد با چه دلایلی و چگونه می توان اطمینان پیدا کرد و این صلاحیت چگونه احراز شده است».

تاریخ و جغرافیا هم تأثیرگذار است

«وقتی در یک جامعه روحیه علمی رسوخ نکرده باشد، مردم به عوض تلاش برای رسیدن به نتیجه از راه منطقی، که البته پر زحمت و وقت گیر است، متوسل به راههای ساده و آرام بخش اما بدون نتیجه می شوند. برای مثال به جای آن که زحمت طولانی مدت درمان را متحمل شوند، به انرژی درمانی که وعده بهبود سریع و بی زحمت را می دهد، روی می آورند». این را دکتر فرید فدایی، روانپزشک و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی می گوید. او همچنین با اشاره به اینکه «اصولاً تمایل به پیش بینی آینده،

همیشه در انسان وجود داشته است». می گوید: «پیش بینی آینده فرد با متغیرهای چنان زیادی ارتباط پیدا می کند که لحاظ کردن همه آنها ممکن نیست. بنابراین از جنبه علمی خارج و صورت خرافه به خود می گیرد. به همین دلیل، فال بینی، فالگیری، رمالی و مسائلی از این قبیل، ضمن آنکه نماینده تمایل انسان برای پاسخگویی به پرسشهای او راجع به آینده است، هیچ ارزش علمی و کاربرد عملی ندارد».

به گفته او، گاهی شرایط ویژه یک کشور از نظر تاریخی و جغرافیایی هم مشوق چنین روحیه ای است: «برای نمونه زمانی که مردم یک کشور - به طور اخص ایران - در طول تاریخ مرتب مورد هجوم اقوام بیگانه قرار گرفته اند و آنچه با زحمت گرد آورده اند توسط مهاجمان به تاراج رفته است، روحیه قضا و قدری و شعار درویشی «این نیز بگذرد» پیدا می کنند و اعتقاد خود را به علت و معلول از دست می دهند در نتیجه از راههای غیر منطقی هم به جست و جوی حل مشکلات می روند. از نظر جغرافیایی نیز در کشورهایی که در مناطق خشک قرار دارند، باز روحیه قضا و قدری مسلط می شود. زیرا زندگی انسانها به بارانی وابسته است که بر آن کنترلی ندارند». او می افزاید: «متأسفانه باید گفت که شرایط تاریخی و جغرافیایی آنچنان ضربه هایی به مردم ایران زده است که آنان خیلی از اوقات اعتقاد خود را به کار و کوشش سازنده و نتیجه گیری از تلاش برای بهبود زندگی از دست داده اند و به این نتیجه رسیده اند که اراده انسان نقشی در رویدادها ندارد. در حالی که این دیدگاه با آموزه های دینی ما، با واقعیت های علمی و با امیدواری که در مردم ایران باستان وجود داشت منافات دارد و منجر به اعتقادات خرافی برای تأثیر گذاشتن بر روند زندگی می شود». دکتر فدایی، علت گرایش افراد به این روشها را ناآشنایی آنان با روشهای بهتر برای حل مشکلاتشان می داند.

تعال، مهم تر از عدالت

حجت الاسلام دکتر یحیی کبیر، استادیار فلسفه محض، مدیر گروه فلسفه محض پردیس قم دانشگاه تهران و مشاور فرهنگی ریاست پردیس، دیدی کلی تر به موضوع گرایش به ماوراء الطبیعه و مکاتب مختلف آن و نظر جامع تری نسبت به این موضوع ارائه می دهد. او به سه بعد «جسم»، «نفس» و «عقل و روح» می پردازد: «این سه بعد مکمل هم هستند... در انسانهای نرمال، این سه بعد همیشه متعادل با هم هستند. اگر یک بعد قوی شد، بعد دیگر را نفی نمی کند ... اگر تعادل ایجاد نشود، نتیجه اش غلتیدن در دامن مکتبهای افراطی خواهد بود...»

حجت الاسلام کبیر، ابتداء، این سه بعد را توضیح می دهد.

فقیه رئالیست - فقیه ایده آلیست

او می گوید: بعد جسمانی شامل تمام مسائل بیرونی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. علم متکفل تکمیل این بعد، «فقه» است علوم فقهی و حقوقی متکفل ایجاد نظم در بعد جسمانی ما است و باید جواب نیازهای جسمانی ما را بدهد. فقهی که در عین حال که ریشه در سنت پیامبر دارد، پویا است و جوابگوی مقتضیات زمان است، چه برای فرد، چه جامعه و چه حکومت. اگر خدای نخواستہ نسبت به این علم بدآموزی، کج نگری و اعوجاج پیش آید و دید رئالیستی به آن نداشته باشیم جوابگوی بعد جسمانی نخواهد بود. اگر علمایی که متکفل این علم هستند، بعد جسمانی بشر را خوب نشناخته باشند یا خود این علم را دقیق نشناخته باشند، نتیجه معکوس خواهند گرفت و این علم جواب جامعه را نخواهد داد. در این صورت جامعه دچار سرخوردگی می شود، لذا اسلام اصرار دارد فقیه، به تعبیر استاد مطهری، یک فقیه عمیق رئالیست باشد نه یک فقیه ایده آلیست که در اوهام خودش حرکت کند و به نیازهای جامعه توجه نکند. به تعبیر شهید صدر، فقیه، در عین حال که درس را خوب خوانده، باید بین مردم برود و نیازها را ببیند و پاسخ حساب شده از اسلام بگیرد و به مردم بدهد تا خدای نخواستہ فتوایی پیش نیاید که مربوط به درد ۳۰۰ سال پیش مردم بوده و کهنه شده است».

فقر اخلاقی داریم

او می گوید: «علم متکفل تنظیم بعد دوم (بعد نفسانی)، علم اخلاق است. در این بخش، علما باید رذایل و فضایل مربوط به نفس را بشناسند و راه تخلیه نفس از رذایل و تخلیه نفس به فضایل را مطرح کنند. اگر نتوانیم تعادل در این بعد ایجاد کنیم تضادهای اخلاقی، خود را نشان می دهند».

حجت الاسلام کبیر معتقد است دچار فقر اخلاقی در جامعه هستیم؛ «نمره اخلاق در جامعه ما اگر نگوئیم صفر، - شاید گراف باشد - ۵ است. ۲۰ نیست. نمره زیر ۱۷ از نظر ما فقر است. و نمره پنج یعنی بد. اخلاق ربطی به اسلام ندارد. شخص می تواند مسلمان نباشد اما اخلاقش درست باشد».

او می گوید: «بعد سوم (بعد عقلانی و روحانی) توسط حکمت و عرفان الهی مبین می شود. این علم اگر درست مطرح شود، تضادهای موجود در اعتقادات را تبدیل به اتحاد می کند. یعنی اگر درست خداشناسی، وحی شناسی، معادشناسی، انسان شناسی، تاریخ شناسی و روح شناسی کنیم، سلوک فکری ما تعادل خودش را حفظ می کند و برعکس اگر در این قسمت درست حرکت نکنیم، نتیجه اش غلتیدن در دامن مکتبهای افراطی خواهد بود». و می افزاید: «عقلانیت در این بعد یعنی اعتدال». دکتر کبیر می گوید: «اگر این سه بعد با هم همگون حرکت نکنند، جامعه متعادل نخواهد بود».

حجت الاسلام کبیر می گوید: «اگر مسائل و مردم را خوب بشناسیم، متوجه می شویم که افراط و تفریط ها بخصوص در بعد متافیزیک از کجاست. یکی از دلایل این گرایشهای افراطی، سرخوردگی در بعد جسمانی است. اگر نتوانیم از نظر سیاسی، اقتصادی، مادی و ظاهری و عینی، تعادل در جامعه ایجاد کنیم، سرخوردگی از این مسائل پیش می آید. فرد می بیند این بعد جواب نمی دهد سراغ بعد دیگر می رود. ولی همه که عارف نیستند. نتیجه اینکه در مکاتب افراطی متافیزیک گرا و روح گرا گیر می کند. او در واقع دنبال فطرت خودش است، اما راه را به اشتباه می رود. یا اگر در بعد اخلاقی تعادل ایجاد نشود، اصول اولیه اخلاقی بشر هم زیر پا گذاشته می شود یا برعکس آن قدر افراطی با مسائل برخورد می کنند که حتی می خواهند به مار زنگی افعی هم رحم کنند. اکثر این مکاتب افراطی متافیزیک یا نمونه های عرفی مثل فال قهوه و فال ورق و تعبیر خوابهای غیر صحیح و ... ناشی از این افراط و تفریط ها و سرخوردگی ها است. خواب عالم مهمی است اما این به آن معنی نیست که شخص به خوابش عمل کند. این اصلاً در اسلام معنی ندارد».

نه اسلام را خوب شناخته ایم، نه انسان را

حجت الاسلام دکتر کبیر در این مورد که چرا این آگاهی در جامعه رسوخ و عینیت نیافته، سه عامل را تأثیرگذار می داند: «یکی اینکه ما آن طور که باید و شاید انسانها را شناخته ایم و به ابعاد وجودی شان واقف نشده ایم. مثلاً در مورد اقتصاد، اگر جوان نتواند برحسب مدرکی که دارد شغلی داشته باشد و نانش را در بیاورد و مایحتاج زندگی اش را تأمین کند، این موضوع روی روان او تأثیر می گذارد. دوم اینکه در اسلام ناب محمدی خوب غور نکرده ایم. ما نتوانسته ایم ببینیم که زن و مرد در اسلام کیست و خانواده در اسلام چه حقوقی دارد. هنوز، بحث ما این است که زن می تواند وکیل شود یا نه. در حالی که الان باید از این حرفها گذشته باشیم. مخاطب این دین انسان عینی است نه انسان خیالی. از نظر اسلام چه زن و چه مرد در مقابل قانون الهی مساوی هستند. ما زنان بزرگی داشتیم که به مراتب بالایی دست یافته اند ...

نکته سوم که بسیار مهم است، این است که چه کسی این احکام را در جامعه پیاده می کند. این افراد باید کسانی باشند که انسان و اسلام را خوب شناخته باشند و با راه اجرای احکام الهی که جامعه شناسی و روان شناسی خاص خود را دارد آشنا باشند و به تدریج و به طور اصولی این احکام را اجرایی کنند. اگر احکام خوب پیاده نشدند، ضعف به این ۳ مورد برمی گردد».

او می افزاید: «در بخش سوم مشکل زیادی داریم. باید دید کسی که کارگزار است صلاحیت کارگزاری را دارد؟ باید جامعه را به سمتی سوق دهیم که به کسانی رأی دهند که صلاحیت اجرای درست قوانین را داشته باشند. ممکن است شخص پروانه بهشت باشد اما متقی

بی تدبیر. متقی بودن چه ربطی به مدیریت دارد؟ اگر تدبیر اجتماعی فرد بالا نباشد به جامعه به شدت ضربه می زند. کسی که اهل اجرا نیست نباید جلو بیاید. نتیجه این کار کریه جلوه دادن اسلام است».

دکتر کبیر می گوید: در نهج البلاغه آمده که اسلام لباسی بسیار زیبا و ظریف است، اما اگر پشت و رو پوشیده شود به پوستین می ماند. او خاطرنشان می کند: «اگر می بینید جوان به هزار و یک در می زند، یک علت آن تهاجم فرهنگی غربی است. این را قبول داریم. فرهنگ ها در دنیا متفاوت است. نمی توانیم بگوییم این فرهنگ ها نباشد. هست. چرا جوان نمی تواند درست انتخاب کند، چون ما نه تنها روحیه تعادل به او نداده ایم بلکه حتی ایجاد ضعف کرده ایم. او خود به خود سراغ مکتب دیگری می رود تا خود را تکمیل کند. بخصوص اگر نیاز مادی داشته باشد. در مورد نیازهای معنوی هم، اگر دید جای دیگری پاسخ می گیرد ولو هندوئیسم می رود سراغش. می توان پیشگویی کرد؟

حجت الاسلام کبیر در رابطه با این پرسش می گوید: «بله می توانیم. به مدل انبیایی در عرفان الهی. می توان تصرف داشت اما کار هر کسی نیست. اما این به آن معنی نیست که کسی خلاف عدل الهی انجام دهد و مردم را رسوا کند. حضرت علی (ع) می دانست این ملجم برای چه آمده.

از طریق دیگری هم می شود. خدا روح را طوری آفریده که اگر ریاضت منفی هم پیش بیاید، مرتاض می تواند برای مثال قطاری را از حرکت باز دارد یا رأی شما را به هم بریزد. این کار در اسلام حرام است».

به گفته او، احضار روح هم ممکن است اما هر کسی نمی تواند این کار را انجام دهد. روح مراتب زیادی دارد. اما خاطرنشان می کند: «بسیاری از این کسانی که ادعای احضار روح می کنند، دکان و دستگاه دارند. امکان پذیر بودن این موضوع یک مسأله است و زیاد شدن دکان و دستگاه یک مسأله دیگر. این علم به صورت حقیقی مسیر خودش را دارد. آنچه بیرون دیده می شود، مجازی است. عقلانیت مان ضعیف است

«همیشه، هر وقت ضعفهای سیاسی و اقتصادی پیش آمده، مردم به سمت مکاتب بخصوص معنوی رفته اند. چه هندی اش چه آمریکایی اش. اما هر وقت اقتصاد و سیاست متعادل و پاسخ ها حساب شده بوده، معنویت هم سر جای خودش بوده است».

حجت الاسلام کبیر می گوید. او با اشاره به اینکه دو اسلام داریم، می افزاید: «جای اسلام ناب محمدی، عارفانه و حکیمانه در جامعه خالی است. شاید ۱۰ درصد به این اسلام متصف باشند و ۹۰ درصد اسلام قشری در جامعه می بینیم؛ اسلام خشن، خشک و به قول استاد شهید مطهری از فکر تهی. اگر در جامعه نتوانیم امام (ره)، شهید مطهری و نظیر این بزرگان و مسیر ناب محمدی را درست حفظ کنیم، اسلام قشری جایش را می گیرد».

اما، حالا چه باید کرد؟ او می گوید: «به هر دلیل ضررهایی داده ایم. حالا باید جلوی ضرر را گرفت. ما باید آزادی های مشروع افراد جامعه را با تشخیص ۳ بعد وجودی انسان، بشناسیم. یکی از اهداف بزرگ انبیا بر روی زمین ایجاد اعتدال بوده است. اعتدال مهم تر از عدالت است. اعتدال از عقلانیت ناشی می شود. باید سعی کنیم بشری عاقل تربیت کنیم و عقل و اخلاق را رشد دهیم. الآن عقلانیت ما ضعیف است. خیلی احساساتی، و هم گرا و خیال گرا هستیم. اسلام را به سمت هاله های ایده آلیستی خودش برده ایم و نمی توانیم پیاده اش کنیم. دائم تضاد ایجاد می کنیم. در حالی که اسلام این نیست».

حجت الاسلام کبیر می افزاید: «ملت ایران، ملت نجیبی است. تاریخی و متمدن. شکی هم نداریم. از این نجابت باید درست استفاده کنیم. ایران به اسلام خیلی خدمت کرده است. باید فرهنگ ایرانی اسلامی اصیل را با همان تفکرات رئالیستی و نه ایده آلیستی و ماتریالیستی و ... ترویج دهیم. این امر طول می کشد. انتظار نداشته باشیم که در عرض یک دهه، همه مشکلات حل شود. باید سعی کنیم جلوی ضرر را بگیریم. باید سعی کنیم حکیمانه، روانشناسانه، عارفانه و جامعه شناسانه، اسلام را به معنی واقعی کلمه و روح وحدت الهی را در جامعه دامن بزنیم، از بعد زیبایی، علم، آگاهی، اخلاق و هنر، درست استفاده کنیم و جامعه را حفظ کنیم.